

تحلیل نقش رهبر انقلاب در جنگ ۱۲ روزه در گفت‌وگوی «جوان» با عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

# رهبر انقلاب نقشه تجزیه ایران را نقش بر آب کرد

محسن ردادی: این جنگ به دشمن هم فهماند، رهبری و امامت در نظام جمهوری اسلامی ایران یک نهاد است که موجب می‌شود مردم انسجام ملی پیدا کنند

■ سجاد آذری

اگر یک نفر را بخواهیم به عنوان چهره جنگ اخیر معرفی کنیم، حتماً این فرد کسی جز رهبر معظم انقلاب اسلامی نیست که نه تنها به عنوان فرمانده کل قوا بلکه به عنوان رهبر و مرجع تقلید بزرگ ایران همه چشم‌ها به ایشان بود تا چگونگی بافرامین خود سرنوشت جنگ را رقم می‌زند اما این بار نشان دادند، حتی با حضور در مراسم عزاداری امام خمینی و گفتن از ایران بخوان نیز می‌توانند، غوغایی به پا کنند. در گفت‌وگوی «جوان»، با محسن ردادی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی نقش رهبر انقلاب در جنگ اخیر بیشتر مورد بررسی قرار گرفته است.

از ابتدای این جنگ رهبر معظم انقلاب چه سلوکی را پی گرفتند و چه تأثیری بر جامعه داشتند؟

تأثیری که رهبر معظم انقلاب در این جنگ داشتند فراتر از تصور صهیونیست‌ها و امریکایی‌ها بود. همانطور که آنها نقش امام خمینی را در زمان انقلاب اسلامی دست کم گرفته بودند، نقش رهبر انقلاب را هم دست کم گرفتند و همانطور که پیش از این نیز گفته شده، ایشان مانند ستون خیمه هستند و حضور ایشان موجب می‌شود نظم تمام بخش‌های دولتی، نظامی و غیره برقرار بماند حتی اگر آسیب‌های جدی کشور به واسطه از دست دادن شهدا و فرماندهان بخورد ولی تا زمانی که این ستون خیمه پابرجاست به سرعت جایگزین می‌شوند و این ایرادها ترمیم می‌شوند.

**یعنی دشمنان تصور می‌کردند رهبر انقلاب چنین نقش محوری را در زمان جنگ نخواهند داشت؟**

به نظر می‌رسد آنها این نقش را دست کم گرفته بودند یعنی تصور می‌کردند، اگر فرماندهان اصلی را بزنند در این صورت دست رهبر معظم انقلاب نیز خالی خواهد شد و در این شرایط شاید ایشان هم نتواند کاری انجام دهد. به هر حال ضربه، ضربه سنگینی بود و طبیعتاً هر کشور دیگری اگر بود از پا به در می‌آمد ولی دلیل اینکه ایران از پا در نیامد و حتی از وضعیت تدافعی به حالت تهاجمی تغییر وضعیت داد، حضور رهبر انقلاب بود و رابطه بسیار خاصی که بین مردم و رهبر به معنای ولی خدا برقرار هست، موجب می‌شود، قدرت زیادی داشته باشیم تا بتوانیم بر خیلی از مشکلات و چالش‌ها غلبه کنیم. البته نکته‌ای که اینجا وجود دارد، این است که الان دشمنان از اهمیت و ضرورت حیاتی رهبری انقلاب اسلامی آگاه شدند یعنی می‌دانستند مهم‌است ولی الان متوجه شدند، چه نقش اساسی دارد در براب کردن توطئه‌های آنها و این ضرورت محافظت از جان رهبر انقلاب را بیشتر می‌کند که خدا را شکر این اتفاق دارد می‌افتد و تأثیری که اندیشیده شده نشان می‌دهد، مسئولان و افرادی که محافظت از ایشان را برعهده

دارند متوجه هستند و دارند تدابیر را در نظر می‌گیرند. نکته مهم دیگر این است که این مسئله قالم به شخص نیست و مطلبی که آنها شاید هنوز هم در نیافتند باشند این است که رهبری و امامت در نظام جمهوری اسلامی ایران یک نهاد است که موجب می‌شود، مردم انسجام ملی پیدا کنند. همین عدم درک در زمان رحلت امام خمینی (ره) هم موجب شده بود، آنها تصور کنند بعد از رحلت ایشان اساس نظام فرو می‌پاشد، ولی چون نهاد بود و نه شخص دیدیم که خیلی مستحکم‌تر و حتی پابرجاتر از قبل هم نهاد جمهوری اسلامی باقی‌ماند و به همین دلیل نهاد بودن است که حتی با حذف افراد نیز آسیبی نخواهد دید و این همان موضوعی است که دشمنان انقلاب از آن درس نگرفته و از آن غافل هستند.

**اگر بخواهیم روز به روز جنگ را جلو ببریم غیر از اینکه برخی از فرماندهان ما شهید شدند و رهبری به سرعت جایگزین آن شهدا را معرفی کردند، اتفاق بعد چه بود؟**

یک نقش رهبر معظم انقلاب فرماندهی کل قواست که در جایگزینی فرماندهان خود را نشان داد ولی غیر از این موضوع یک بحث شناختی وجود دارد و شاید کارکرد اصلی رهبر معظم انقلاب، غیر از فرماندهی کل قوا همین بحث رهبری یعنی توصیف میدان، دادن بصیرت و بینشی است که از امور شکل می‌گیرد. ببانیه رهبر معظم این کار کرد را داشت که اولاً توصیف خوبی از میدان داد و در این خصوص می‌توان مقایسه‌ای انجام داد با نقش‌ی که امام خمینی داشتند که ایشان هم وقتی صدام به ایران حمله کردند و همه دستپاچه شده بودند با پیامی که آن روز صادر کردند آرامش دادند و با این تمثیل که یک دیوانه‌ای آمده و یک سنگی زده و رفته است، نشان دادند غلبه بر این دشمن کار دشواری نیست. قدم اول این است که ملت متوجه باشد می‌شود مقابله کرد که رهبر انقلاب همین کار کرد را با این ادبیات که پاسخ پشیمان کننده‌ای می‌دهیم، انجام دادند و اینکه بیان کردند غلطی که کردند، موجب نابودی این رژیم می‌شود به مردم و فرماندهان دل و جرت داد، کلاماً به مردم آرامش داد. بعد هم مطالبی که در بیانیه‌های بعدی فرمودند به نوعی نقش راه بود که این‌جنگ چطور می‌تواند ادامه پیدا کند. مهم‌ترین کار کردی که این بیانیه داشت ایجاد انسجام بود و خودش به خودی خود یک گفتمان واحدی را بین مردم منتشر کرد که همه به آن ملتزم شدند و برای کسی دیگر جای تردید باقی نماند که باید با این دشمن جنگید. این خودش خیلی هنر است. بالاخره اختلاف نظر بین مردم، گروه‌های سیاسی، افراد، شخصیت‌ها و دسته‌افراوان است و برهمین اساس خیلی دشوار است، شما بتوانی بیانیه‌ای صادر کنی که تمام افراد و سلیقه‌های گوناگون را با خودت هم جهت کنی و همه را به یک سمت هدایت کنی. اگر بپذیریم که یکی از مهم‌ترین عواملی که موجب پیروزی ما بر رژیم صهیونیستی شد آن اتحاد و همدلی بود که نقش مهم در ایجاد این همدلی را باید آن بیانیه و رهبری انقلاب اسلامی تلقی کرد.

**آمدیم جلوتر و جنگ ادامه داشت، بر برخی نظامیان شناخته شده اکنون مدعی هستند حتی رهبر معظم انقلاب مدیریت جنگ را نیز به نصوی در این زمان به‌دست داشتند، نقش فرماندهی کل قوا در زمان جنگ چگونه است؟**

نباید تصور کرد، فرماندهی کل قوا کسی است که می‌نشیند و مثلاً نقشه‌های نظامی می‌کشد یا تاکتیک‌ها را بیان می‌کند این یک کار تخصصی است که در این جنگ و جنگ‌های قبلی، متخصصین نظامی آن را تهیه و اجرا می‌کردند و موضوع تخصصی است که فرمانده کل قوا در این حیطه دخالت نمی‌کند اما چیزی که اهمیت

دارد و نقش امام خمینی به عنوان فرماندهی کل قوا و رهبر معظم انقلاب الان آن را برعهده دارند و قوای نظامی را هدایت می‌کنند این است که بتوانند در بزنگاه‌ها تصمیمات جسورانه بگیرند. از لحاظ فنی یکسری از امکانات وجود دارد که فرماندهان نظامی می‌گویند ما اینها را داریم ولی انجام این گزینه‌ها نیاز به یک مسئولیت‌پذیری دارد بالاخره یک ریسک‌ها و اقداماتی دارد که جسارت و شجاعت مخصوص خودش را می‌خواهد تا اتفاق بیفتد و کاری که رهبر انقلاب انجام دادند که نقش اساسی را داشت در هدایت جنگ همین تصمیم‌گیری‌های دشواری بود که فرماندهان عادی نظامی قاعدتا چنان توانی نداشتند که این تصمیمات را بگیرند و یک فرد شجاعی لازم بود که بیاید و بدون ترس این تصمیم را بگیرد و اینجا بود که فرمانده کل قوا به خوبی درخشیدند و تصمیمات را تأیید کردند و از اینکه این تصمیمات گرفته شود، حمایت کردند. البته باید این را هم نظر گرفت که عمده پیروزی نظامی در اتالی جنگ و لحظه جنگ رقم نمی‌خورد و اگر پیروزی اتفاق افتاد باید برگردیم به این ۲۰ سال و ۳۰ سال اخیر که رهبر معظم انقلاب هدایت، حمایت و تأیید کردند، مثلاً ما به سمت ساخت موشک نقطه‌زن برویم یا به سمت ساخت پهپاد پرویم و این تصمیمات، تصمیمات بسیار استراتژیکی بود، قاعدتاً یک فرمانده نظامی به تنهایی نمی‌توانست این تصمیم را بگیرد بلکه این هدایت و رهبری بود که به این تصمیمات در دست منجر شد و زمان جنگ لحظه به ثمر رسیدن آن رهبری و تصمیماتی است که از قبل گرفته شده و شاید بتوان گفت بیشترین اثر را فرماندهی مقام معظم رهبری پیش از آغاز جنگ داشتند و البته در دوره جنگ نیز با این تعبیر که تصمیمات سخت و دشوار را خود ایشان می‌گرفتند خیلی مهم بود. همه اذعان دارند که اگر ایران روز اول کوتاه می‌آمد و چنین واکنش سنگینی را نشان نمی‌داد، آن‌ها بعد از سه، چهار روز ورق بر نمی‌گشت و کار دشوار می‌شد ولی رهبر معظم انقلاب با آن جسارتی که داشتند در همان روز اول چنین دستوراتی را دادند و به پشتوانه ایشان آن موشک‌ها شلیک شدند که این اتفاقات و پیروزی‌ها در اثر آن رقم خورد.

**اینکه رهبر انقلاب به یکباره در شب عاشورا وارد مراسم عزاداری در حسینییه امام خمینی (ره) می‌شوند، در حالی که فضا عادی نشده بود، چه لزوم و تأثیری داشت و نشان‌دهنده چه صفاتی در رهبر معظم انقلاب است؟** همانطور که در ابتدا گفتم نقش ایشان بسیار حیاتی و فراتر از محاسبات دشمن است و دشمن نیز بعد از مدتی متوجه خطای محاسباتی شد و قاعدتاً در پی آسیب رساندن و حذف این شخصیت است تا بتواند نقشه خود را ادامه دهد و الان متوجه شد، آن‌ها اصولی امامی است که در کنار امت قرار گرفته و می‌تواند تمام این نقشه‌ها را هر چقدر هم پیچیده و دشوار باشد ناکارآمد کند.

**یسررائیل کاتس گفته بود که اگر ما دست‌رسی پیدا می‌کردیم حتماً رهبر انقلاب را نیز ترور می‌کردیم، یعنی آنها شاید اطلاع نداشتند، ولی بعید می‌دانم آنها درکی از این نداشته باشند که برای شکست ایران اول از همه باید رهبری را هدف قرار می‌دادند.**

بله مطمئناً دشمنان رحم نکردند و حفاظت نیز خیلی خوب و قوی بوده است، ولی بر داشت من این است که اگر آنها می‌دانستند چنین نقشی را رهبر انقلاب دارد خیلی خیلی بیشتر تلاش می‌کردند و ۹۰درصد تلاش خود را می‌گذاشتند، روی ترور رهبر انقلاب و تا قبل از اینکه این کار را انجام دهند، اصلاً دست به این اقدام نمی‌زدند. یعنی با همین تلاشی که انجام دادند دست‌رسی پیدا نکردند و اگر دست‌رسی داشتند، حتماً انجام می‌دادند ولی احساس کردند این کار هم برای آنها هزینه دارد و هم دست‌رسی درستی نداشتند و به همین دلیل انجام ندادند ولی شاید اگر می‌دانستند چنین نقشی برای رهبری انقلاب وجود دارد، تلاش خود را صد برابر می‌کردند که بتوانند و بیشتر تلاش خود را در این عرصه می‌گذاشتند.

در اینجا اجازه دهید من به سخن افلاطون اشاره کنم، افلاطون از یک نکته‌ای به نام نقطه طلایی صحبت می‌کند و می‌گوید نقطه تعادل و عدالت این است که شما دچار افراط و تردید نشوید و در مورد شجاعت مثال می‌زنند و می‌گوید شجاعت نقطه میانی است و کسی که کمتر شجاعت داشته باشد انسانی ترسو می‌شود و کسی که شجاعت زیادی داشته باشد، مهم‌تر این است که شجاعت او به کسی که تهور داشته باشد جان خود را در خطر می‌اندازد و موجب می‌شود، آسیب ببیند، هم به خودش و هم به کشور آسیب می‌زند. بنابراین می‌گوید نه ترس و نه تهور بلکه نقطه میانی آن که شجاعت می‌شود، خوب است و در این موضوع خاص که رهبر انقلاب مدنظر است، ایشان اهل تهور به معنای غیرعقلانی که خودشان را در معرض خطر قرار دهند نیستند و از طرف دیگر همه دیدند که اهل ترس هم نیستند.

در حالی که از طریق محتوای منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی خیلی تلاش می‌کنند که رهبر انقلاب و انقلابیون را به این سمت ببرند که دست به عمل غیر عقلانی و متهورانه‌ای بزنند و اتفاق متهورانه‌ای بیفتد رهبر انقلاب هیچ وقت در دام چنین تحریک‌ها و کنایه‌هایی نمی‌افتند و برهمین اساس نه تنها حضور ایشان مهم‌است بلکه مسئله مهم‌تر این است که ایشان خودشان تصمیم گرفتند، چه زمانی بیایند و چه زمانی نیایند و این مسئله را به خواست و اراده دشمنان انقلاب اسلامی، شبکه‌های اجتماعی و فشارهایی که وارد می‌شد، محول نکردند. آن زمانی که صلاح ندیدند حضور پیدا کنند، حضور پیدا نکردند و آن زمانی که تصمیم گرفتند حضور پیدا کنند، حضور پیدا کردند و دیدیم دشمن هم هیچ غلطی نتوانست انجام دهد که این خیلی معنادار است تا متوجه باشیم رهبر انقلاب اهل تهور نیستند و این خودش یک پیام است که ایشان مثلاً موقعی که فشار افزایش



Khamenei

پیدا می‌کند دستپاچه نمی‌شوند که خودشان را در معرض آسیب قرار دهند و کشور را دچار بحران کنند. این نکته خیلی مهمی است که باید به آن توجه کرد و در آن بزنگاه و نقطه‌ای که باید ایشان حاضر شدند و نقش خودشان را به خوبی ایفا کردند و آن داگرمی که باید اتفاق می‌افتاد، اتفاق افتاد و این پیوند زدن بین عزاداری، دین، مذهب، وطن، ایران و وطن‌دوستی را در همان لحظه کوتاه حضورشان رقم زدند.

**این نوع حضور رهبر انقلاب قابل مقایسه با حضور و رفتارهای مقامات دیگر کشورها هست؟**

هر چند از چنین قیاسی نیز شرم دارم ولی در مقام مقایسه آقای ترامپ خیلی حراف و هرزه‌گو است و مسمدام دارد توتیت می‌زند و مورد تمسخر همه چه در داخل امریکا و چه در خارج امریکاست ولی رهبر معظم انقلاب بدون اینکه حتی یک کلمه حرف علنی بزند، سخنرانی کنند، حمله عمومی بگویند فقط یک حرف خصوصی زدند و رفتند کلی هم اثر گذاشتند و این نشان‌دهنده شخصیت قدرتمندی است که ایشان دارند که بدون اینکه حرفی بزنند و حتی بخواهند افشاگری بکنند یا در مقام زیادگویی بربیاید اما با عمل و حضور خود بیشترین تأثیر را گذاشتند و این قدرتی است که رهبر معظم انقلاب فارغ از مقام معنوی که ما به آن اعتقاد داریم دارند از نظر اینکه یک سیاستمدار باهوش و توانمند هستند انصافاً هیچ‌کس دیگری را نمی‌شود با ایشان مقایسه کرد. افرادی که می‌آیند هزاران هزار برابر حرف می‌زنند اما مضحکه می‌شوند اما ایشان می‌آید حضور پیدا می‌کند و از سوی کسانی که حتی مسلمان نیستند و حتی ایرانی نیستند، به عنوان قهرمان تلقی می‌شود که این می‌تواند هم سرمایه بزرگی باشد و هم خیلی معنادار باشد. رهبر معظم انقلاب فقط با یک زمزمه از ایران بخوان چنین شوری را در کشور ایجاد کردند، وای به روزی که بخواهند جمله‌ای را بر زبان بلند بگویند.

